

Examining the Principles of Cultural Integration in the Design of Modern and Historical Urban Spaces

1. Amirali Tabatabaei: Department of Islamic and Traditional Architecture, Islamic Azad University, Qazvin Branch, Qazvin, Iran

2. Vahid Nemati*: Department of Islamic and Traditional Architecture, Islamic Azad University, Qazvin Branch, Qazvin, Iran

*Corresponding Author's Email Address: nemativahid1010@gmail.com

How to Cite: Tabatabaei, A., & Nemati, V. (2024). Examining the Principles of Cultural Integration in the Design of Modern and Historical Urban Spaces. *Manifestation of Art in Architecture and Urban Engineering*, 2(1), 71-85.

Abstract:

This article examines the principles of cultural integration in the design of modern and historical urban spaces. The primary objective is to analyze methods and strategies that combine cultural and historical elements with modern needs to create cohesive, sustainable, and culturally rich spaces. In this review study, the concept of cultural integration and its importance in urban architecture are initially defined and elaborated. Subsequently, existing theories and models in this field are examined, along with a review of previous studies on cultural and architectural interactions. Findings reveal that cultural integration can enhance local identity, increase a sense of belonging, and improve the quality of urban life, though challenges such as economic constraints and cultural differences remain. Case studies from cities like Istanbul, Barcelona, and Shanghai indicate that public space designs, respecting both local culture and modern architectural elements, can attract tourists, enhance social interactions, and strengthen community cohesion. Finally, recommendations are provided for improving urban design based on cultural integration, including participatory approaches, attention to cultural diversity, and leveraging modern technologies. This research can serve as a theoretical framework for developing cities with both cultural identity and modern functionality.

Keywords: Cultural Integration, Urban Design, Modern Architecture, Cultural Identity, Social Interactions, Public Spaces, Historical Architecture, Sustainable Development

Received: 8 February 2024

Revised: 12 March 2024

Accepted: 29 March 2024

Published: 5 April 2024



بررسی اصول ادغام فرهنگی در طراحی فضاهای شهری مدرن و تاریخی

۱. امیرعلی طباطبایی: دانشکده معماری اسلامی و سنتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین، قزوین، ایران

۲. وحید نعمتی*: دانشکده معماری اسلامی و سنتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین، قزوین، ایران

*پست الکترونیک نویسنده مسئول: nemativahid1010@gmail.com

نحوه استناددهی: طباطبایی، امیرعلی، و نعمتی، وحید. (۱۴۰۳). بررسی اصول ادغام فرهنگی در طراحی فضاهای شهری مدرن و تاریخی. تجلی هنر در معماری و شهرسازی، ۲(۱)، ۷۱-۸۵

۸۵

چکیده

این مقاله به بررسی اصول ادغام فرهنگی در طراحی فضاهای شهری مدرن و تاریخی می‌پردازد. هدف اصلی، تحلیل روش‌ها و استراتژی‌هایی است که به کمک آن‌ها می‌توان عناصر فرهنگی و تاریخی را با نیازهای مدرن ترکیب کرد تا فضاهایی منسجم، پایدار و دارای هویت فرهنگی قوی ایجاد شود. در این پژوهش مروری، ابتدا به تعریف و تبیین مفهوم ادغام فرهنگی و اهمیت آن در معماری شهری پرداخته شده است. سپس، نظریه‌ها و مدل‌های موجود در این زمینه بررسی شده و مطالعات پیشین که به تعاملات فرهنگی و معماری مرتبط هستند، مرور شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ادغام فرهنگی می‌تواند به تقویت هویت محلی، افزایش حس تعلق به مکان، و بهبود کیفیت زندگی شهروندان منجر شود، اما با چالش‌هایی چون محدودیت‌های اقتصادی و تفاوت‌های فرهنگی نیز همراه است. بررسی نمونه‌های شهری موفق در این زمینه، مانند استانبول، بارسلونا و شانگهای، نشان می‌دهد که طراحی فضاهای عمومی با توجه به فرهنگ بومی و عناصر معماری مدرن می‌تواند به جذب گردشگران، افزایش تعاملات اجتماعی و تقویت همبستگی اجتماعی کمک کند. در پایان، پیشنهادهایی برای بهبود طراحی شهری بر مبنای ادغام فرهنگی ارائه شده که شامل استفاده از رویکردهای مشارکتی، توجه به تنوع فرهنگی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین می‌باشد. این پژوهش می‌تواند به‌عنوان چارچوبی نظری برای توسعه شهرهایی با هویت فرهنگی و کارکردهای مدرن مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: ادغام فرهنگی، طراحی شهری، معماری مدرن، هویت فرهنگی، تعاملات اجتماعی، فضاهای عمومی، معماری تاریخی، توسعه پایدار.

تاریخ دریافت: ۱۹ بهمن ۱۴۰۲

تاریخ بازنگری: ۲۲ اسفند ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۰ فروردین ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱۷ فروردین ۱۴۰۳



ادغام فرهنگی در طراحی فضاهای شهری به عنوان یک رویکرد نوین در معماری و شهرسازی مطرح است که در پی هم‌نشینی و تعامل میان عناصر فرهنگی و تاریخی با محیط‌های مدرن شهری است. مفهوم ادغام فرهنگی به فرایند پیوند عناصر فرهنگی مختلف در فضاهای عمومی اشاره دارد، به گونه‌ای که هویت‌ها و ارزش‌های گوناگون بتوانند در تعامل با هم در محیطی هماهنگ به کار روند. این فرایند، اساساً شامل شناخت و فهم عمیق از ریشه‌های تاریخی، فرهنگی، و اجتماعی هر منطقه و استفاده از این عناصر به شکلی نوآورانه و معاصر است تا فضاهایی پدید آید که نه تنها به اصالت فرهنگی خود وفادارند، بلکه پاسخگوی نیازهای زندگی مدرن نیز باشند. ادغام فرهنگی را می‌توان به عنوان پلی میان سنت و نوآوری دانست که سعی دارد از شکاف‌های فرهنگی، زبانی، و اجتماعی میان اقوام و جوامع مختلف در محیط‌های شهری کاسته و با تقویت احساس تعلق به مکان، همزیستی مسالمت‌آمیز و تعاملات اجتماعی را تسهیل کند (Didichenko et al., 2019).

اهمیت این مفهوم به ویژه در زمینه معماری شهری و توسعه محیط‌های شهری نمایان می‌شود. در دوره معاصر، توسعه شهری به سرعت در حال تغییر است و در این روند، بسیاری از فضاهای شهری به شیوه‌ای مدرن طراحی و بازسازی می‌شوند که ممکن است با زمینه فرهنگی و تاریخی محل همخوانی نداشته باشند. این عدم تطابق گاه منجر به از بین رفتن هویت فرهنگی و تاریخی شهرها و یا حتی تخریب فضاهای تاریخی می‌شود. این مسئله به ویژه در شهرهایی که از لحاظ فرهنگی و تاریخی غنی هستند، بسیار نگران‌کننده است. به عنوان مثال، فضاهای شهری مدرن که بدون در نظر گرفتن فرهنگ بومی و ساختارهای تاریخی طراحی می‌شوند، ممکن است نه تنها هویت مکان را تضعیف کنند، بلکه برای ساکنان و بازدیدکنندگان نیز از جذابیت کافی برخوردار نباشند. از این رو، ادغام فرهنگی به عنوان راهکاری برای حفظ هویت محلی و همچنین پاسخگویی به نیازهای نوین شهری معرفی شده است (Riechers et al., 2019).

در طراحی شهری، ادغام فرهنگی می‌تواند به روش‌های مختلفی تحقق یابد. یکی از روش‌های اساسی، حفظ و تقویت ویژگی‌های تاریخی و فرهنگی موجود است و در عین حال، نوآوری‌های مدرن به‌طور هماهنگ به این ساختارها اضافه می‌شود. در این فرایند، شناخت عمیق از نیازهای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی جامعه ضروری است تا طراحان بتوانند طراحی‌هایی ایجاد کنند که نیازهای مدرن را با احترام به اصالت‌های فرهنگی تلفیق کنند. این نوع طراحی همچنین می‌تواند باعث ایجاد حس تعلق بیشتر در میان ساکنان شهر شود، زیرا به آنها این امکان را می‌دهد که در فضاهایی زندگی کنند که با ارزش‌ها و تاریخ‌های فرهنگی‌شان همخوانی دارد و هویت‌هایشان را تأیید و تقویت می‌کند (Huang, 2023).

این پژوهش با هدف بررسی اصول ادغام فرهنگی در طراحی فضاهای شهری مدرن و تاریخی به انجام می‌رسد. یکی از سوالات اساسی این تحقیق این است که چگونه می‌توان عناصر فرهنگی و تاریخی را به گونه‌ای در طراحی فضاهای شهری به کار برد که همزمان هم جذابیت‌های مدرن و هم هویت‌های فرهنگی حفظ شوند. همچنین این مطالعه تلاش دارد تا چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی معماران و طراحان شهری در ادغام فرهنگی را شناسایی کند و راهکارهایی برای غلبه بر این چالش‌ها ارائه دهد. با توجه به گسترش پدیده جهانی‌سازی، بسیاری از شهرهای بزرگ جهان با مسئله از دست دادن هویت محلی خود مواجه شده‌اند و در چنین شرایطی، نقش ادغام فرهنگی بیش از پیش اهمیت می‌یابد. این پژوهش همچنین به دنبال ارائه چارچوبی نظری برای تعریف اصول و معیارهای کلیدی در

فرایند ادغام فرهنگی است و امید دارد که بتواند به پژوهشگران و طراحان شهری در ایجاد فضاهایی که هویت محلی را تقویت کرده و همزمان با نیازهای روز هماهنگ باشند، کمک کند (Sharghi et al., 2018).

ادغام فرهنگی در طراحی شهری نیازمند درک عمیق از ابعاد مختلف فرهنگی و همچنین شناخت دقیق از بافت تاریخی و اجتماعی مکان‌هاست. برای مثال، در بسیاری از شهرهای تاریخی، فضاهایی وجود دارد که علاوه بر ارزش‌های تاریخی و فرهنگی، نقش مهمی در تقویت روابط اجتماعی دارند. در طراحی این فضاها، حفظ اصالت و هویت بومی در اولویت قرار می‌گیرد؛ اما در عین حال، نیاز به امکانات مدرن و کاربردهای معاصر نیز احساس می‌شود. طراحان شهری در این شرایط باید با ترکیب این دو بعد، فضایی بسازند که نه تنها به نیازهای ساکنان پاسخگو باشد، بلکه جذابیت بصری و کارکردهای فرهنگی و اجتماعی خود را نیز حفظ کند (Xu, 2023).

از دیگر موضوعات مورد بررسی در این مطالعه، تأثیر طراحی شهری با رویکرد ادغام فرهنگی بر ارتقاء تجربه شهروندان و گردشگران است. فضاهای شهری که با توجه به ویژگی‌های فرهنگی و تاریخی طراحی شده‌اند، می‌توانند به‌عنوان جاذبه‌هایی فرهنگی عمل کنند که گردشگران را به خود جذب می‌کنند. این امر به ویژه در شهرهایی که دارای تاریخ و فرهنگ غنی هستند، از اهمیت بیشتری برخوردار است. فضاهای عمومی با طراحی فرهنگی، به شهروندان این امکان را می‌دهند که با ریشه‌های فرهنگی خود بیشتر ارتباط برقرار کرده و تجربه‌ای منحصر به فرد از فضای شهری داشته باشند. برای نمونه، استفاده از الگوهای هنری و معماری بومی در طراحی مبلمان شهری و سازه‌های معماری می‌تواند حس هویت و تعلق را تقویت کرده و موجب افزایش رضایت شهروندان از محیط زندگی‌شان شود (Quang et al., 2023).

از آنجا که ادغام فرهنگی، چالشی پیچیده و چندبعدی است، نیازمند توجه به عوامل مختلفی است که به لحاظ اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی اهمیت دارند. در شهرهایی که بافت فرهنگی متنوعی دارند، طراحی‌های شهری باید به گونه‌ای انجام شود که این تنوع فرهنگی را نمایان کرده و از ایجاد تضادها و چالش‌های اجتماعی جلوگیری کند. بدین منظور، می‌توان از راهبردهای متفاوتی همچون ایجاد فضاهای چندمنظوره که قابلیت پذیرش فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی مختلف را دارند، بهره گرفت. این نوع طراحی علاوه بر ایجاد همبستگی میان گروه‌های فرهنگی مختلف، به توسعه تعاملات اجتماعی و تقویت حس انسجام اجتماعی کمک می‌کند و در نهایت، محیط‌های شهری پایدارتر و غنی‌تری را برای ساکنان و بازدیدکنندگان فراهم می‌آورد (Fathi et al., 2020).

در نهایت، بررسی اصول ادغام فرهنگی و کاربردهای عملی آن در معماری و طراحی شهری، می‌تواند به شناخت بهتر از اثرات این رویکرد بر روی هویت شهری و تجربه زیستی افراد کمک کند. در نتیجه، این پژوهش تلاش دارد با شناسایی و تحلیل اصول ادغام فرهنگی در طراحی شهری، به طراحان و برنامه‌ریزان کمک کند تا محیط‌هایی را خلق کنند که علاوه بر انطباق با نیازهای نوین، فرهنگ و تاریخ منطقه را نیز پاس بدارند. در این راستا، درک درست از ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی هر جامعه، و توانایی تلفیق این ارزش‌ها در طراحی‌های شهری به گونه‌ای که این فضاها به‌طور پویا و زنده باقی بمانند، اهمیت دارد. امیدواریم این مطالعه بتواند با ارائه بینشی جامع و کارآمد به پژوهشگران و طراحان شهری کمک کند تا اصول و راهبردهای مؤثرتری را برای ادغام فرهنگی در طراحی‌های شهری خود به کار بگیرند و فضایی را ایجاد کنند که به همه اعضای جامعه اجازه مشارکت فعال در زندگی اجتماعی و فرهنگی‌شان را بدهد.

روش‌شناسی پژوهش

رویکرد این مقاله بر اساس روش مروری و تحلیل کتابخانه‌ای طراحی شده است. به منظور دستیابی به درکی جامع از اصول ادغام فرهنگی در طراحی فضاهای شهری مدرن و تاریخی، از منابع موجود در ادبیات تخصصی معماری و شهرسازی بهره گرفته شده است. این پژوهش مروری، به بررسی عمیق مطالعات، کتاب‌ها، مقالات علمی و گزارش‌های مرتبط می‌پردازد تا رویکردها و مدل‌های موجود را از جنبه‌های نظری و عملی تحلیل کند. در این راستا، انتخاب منابع به گونه‌ای انجام شده که نه تنها متون کلاسیک و مرجع‌های اصلی در زمینه ادغام فرهنگی در طراحی شهری را شامل می‌شود، بلکه پژوهش‌های جدید و به‌روز نیز مدنظر قرار گرفته‌اند تا تبیینی جامع از تغییرات و تحولات اخیر در این حوزه ارائه شود.

برای تحلیل داده‌ها در این پژوهش، از روش تحلیل کیفی استفاده شده است. این روش به محقق امکان می‌دهد تا با شناسایی الگوها، مفاهیم و مقوله‌های محوری موجود در متون، به تجزیه و تحلیل ساختارهای مفهومی و موضوعی بپردازد. در این راستا، ابتدا مجموعه‌ای از مقالات و منابع مرتبط با موضوع ادغام فرهنگی در طراحی شهری گردآوری شد و سپس بر اساس معیارهایی مانند مرتبط بودن، نوآوری و رویکرد نظری، دسته‌بندی شدند. تحلیل این منابع به گونه‌ای انجام شده که تأثیر عوامل فرهنگی بر طراحی شهری و همچنین چالش‌ها و فرصت‌های موجود در فرآیند ادغام معماری مدرن و تاریخی را مشخص کند. از آنجا که موضوع مورد بحث دارای ابعاد چندگانه و پیچیده‌ای است، تلاش شد تا رویکردها و دیدگاه‌های مختلف پژوهشگران به‌ویژه در ارتباط با موضوعات فرهنگی، اجتماعی و معماری به‌دقت تحلیل و ارزیابی شود.

در فرایند تحلیل، متون مورد نظر به‌صورت سیستماتیک مطالعه و دسته‌بندی شدند. سپس، داده‌های گردآوری شده با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی بررسی شدند که به محقق کمک می‌کند تا معانی عمیق‌تری از داده‌ها استخراج کند و به الگوهای مفهومی منسجمی دست یابد. در این راستا، سه مرحله اصلی شامل جمع‌آوری داده‌ها، طبقه‌بندی و تفسیر صورت گرفته است. در مرحله اول، با استفاده از کلیدواژه‌های مشخص و جستجو در پایگاه‌های علمی معتبر، منابع مرتبط گردآوری شدند. این منابع شامل مقالات منتشر شده در ژورنال‌های معتبر بین‌المللی، کتاب‌های علمی مرجع و گزارش‌های پژوهشی بودند که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به موضوع ادغام فرهنگی در طراحی فضاهای شهری پرداخته‌اند.

در مرحله طبقه‌بندی، داده‌ها بر اساس موضوعات کلیدی و مؤلفه‌های مشترک سازماندهی شدند تا امکان تحلیل دقیق‌تر و دستیابی به دیدگاه‌های جامع‌تر فراهم شود. این مؤلفه‌ها شامل ابعاد فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و زیبایی‌شناختی مرتبط با طراحی شهری بودند. در این مرحله تلاش شد تا تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود در منابع، همچنین کاربردهای عملی و نظری اصول ادغام فرهنگی شناسایی و تحلیل شوند. مرحله سوم، به تفسیر داده‌ها اختصاص یافت؛ در این مرحله نتایج به دست آمده از مراحل قبلی با نظریات موجود و مدل‌های رایج در طراحی شهری مقایسه شدند تا نقاط ضعف و قوت رویکردهای مختلف در زمینه ادغام فرهنگی شناسایی و به‌طور دقیق تحلیل شوند.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

نظریه‌های ادغام فرهنگی عموماً در بسترهای گوناگون فرهنگی و اجتماعی مطرح شده‌اند و بر تعاملات میان عناصر مدرن و تاریخی تأکید دارند. این نظریه‌ها معتقدند که طراحی شهری باید همبستگی میان ارزش‌های فرهنگی محلی و سبک‌های معماری نوین را در نظر بگیرد، به گونه‌ای که فضاهای شهری به‌طور همزمان

هم پاسخگوی نیازهای جامعه مدرن باشند و هم اصالت فرهنگی و تاریخی خود را حفظ کنند. این نظریه‌ها در واقع به دنبال تعادل میان سنت و مدرنیته هستند و تاکید می‌کنند که این دو عنصر می‌توانند به صورت مکملی در فضاهای شهری حضور داشته باشند (Kabisch et al., 2022).

یکی از مدل‌های مهم در این حوزه، مدل تعامل فرهنگی است که به بررسی نحوه هم‌زیستی و تعامل بین فرهنگ‌ها در فضاهای عمومی می‌پردازد. این مدل بر پایه این فرض استوار است که فضاهای شهری باید به گونه‌ای طراحی شوند که انواع گوناگون فرهنگی در آنها نمود پیدا کند و امکان تعاملات فرهنگی و اجتماعی میان گروه‌های مختلف فراهم شود. در این مدل، فضای شهری به عنوان بستری برای تبادل فرهنگی و همچنین افزایش انسجام اجتماعی عمل می‌کند. از این منظر، طراحی شهری نه تنها به عنوان یک عمل فیزیکی، بلکه به عنوان یک فرآیند اجتماعی و فرهنگی در نظر گرفته می‌شود که بر روابط اجتماعی و هویت فرهنگی تاثیرگذار است (Didichenko et al., 2019).

مرور مطالعات پیشین نشان می‌دهد که پژوهشگران به دنبال یافتن روش‌های عملی برای ادغام فرهنگی در طراحی شهری بوده‌اند. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های این مطالعات، تمرکز بر نحوه استفاده از عناصر فرهنگی و تاریخی در کنار طراحی‌های مدرن است. به عنوان مثال، برخی مطالعات نشان داده‌اند که استفاده از نمادها، نقش‌ونگارها و فرم‌های معماری بومی می‌تواند به تقویت حس هویت و تعلق شهروندان کمک کند. در این زمینه، روش‌های متفاوتی پیشنهاد شده است که از ترکیب الگوهای سنتی با فن‌آوری‌های مدرن استفاده می‌کنند تا فضاهایی خلق کنند که نه تنها زیبا و کارآمد هستند، بلکه ریشه‌های فرهنگی و تاریخی خود را نیز حفظ کرده‌اند (Ye, 2022).

یکی از مباحث کلیدی در مورد هم‌زیستی معماری مدرن و تاریخی در فضاهای شهری، مسئله تعادل میان این دو عنصر است. بسیاری از پژوهش‌ها نشان می‌دهند که معماری مدرن با تمرکز بر کارآمدی و سادگی طراحی، گاه در تضاد با ویژگی‌های غنی و پیچیده معماری تاریخی قرار می‌گیرد. با این حال، برخی از مطالعات نشان داده‌اند که این دو سبک معماری می‌توانند در تعامل با یکدیگر قرار گیرند و به نحوی هم‌زیستی پیدا کنند که هر دو رویکرد به درستی و به طور هم‌زمان در فضاهای شهری نمایان شوند. برای مثال، طراحی فضاهایی که از مصالح مدرن در ساختارهایی با فرم‌های تاریخی استفاده می‌کنند، نمونه‌ای از این هم‌زیستی است که به تعادل میان این دو رویکرد کمک می‌کند (Zagroba et al., 2020).

ادبیات پژوهش در زمینه تعاملات فرهنگی و معماری نیز به روش‌های مختلفی برای ادغام فرهنگی در فضاهای شهری پرداخته است. یکی از موضوعات مهم در این حوزه، توجه به عناصر معماری بومی در طراحی فضاهای عمومی است. این عناصر می‌توانند شامل شکل‌های ساختمانی، استفاده از رنگ‌ها، و یا حتی الگوهای هندسی خاصی باشند که در فرهنگ‌های مختلف معنای خاصی دارند. طراحی‌هایی که با استفاده از این عناصر بومی انجام می‌شود، نه تنها باعث افزایش جذابیت بصری فضاهای شهری می‌شود، بلکه به عمق فرهنگی و هویت محلی آن‌ها نیز می‌افزاید. به عنوان مثال، استفاده از هنر و صنایع دستی محلی در طراحی مبلمان شهری یا نقوش سنتی در دیوارهای شهری، می‌تواند به عنوان راهکارهایی برای ادغام فرهنگی در معماری شهری مورد استفاده قرار گیرد (Fathi et al., 2020).

یکی دیگر از نظریه‌های مرتبط با ادغام فرهنگی در طراحی فضاهای شهری، نظریه "اکوسیستم‌های فرهنگی" است. این نظریه به تعامل میان فضاهای طبیعی و ساخته شده انسان در محیط‌های شهری پرداخته و معتقد است که فضاهای عمومی می‌توانند به عنوان اکوسیستم‌هایی عمل کنند که علاوه بر ارائه خدمات محیطی، خدمات فرهنگی نیز به جامعه ارائه می‌دهند. این اکوسیستم‌ها با ترکیب فضاهای سبز و طراحی‌های فرهنگی، به جامعه امکان می‌دهند که هم از طبیعت

و هم از جنبه‌های فرهنگی بهره‌مند شوند. این نظریه به ویژه در طراحی فضاهایی که هدف از آنها ایجاد ارتباط نزدیک‌تر مردم با فرهنگ و محیط زیست است، بسیار مورد توجه قرار گرفته است (Riechers et al., 2019).

در بحث ادغام فرهنگی، توجه به مبانی زیبایی‌شناختی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیبایی‌شناسی در طراحی شهری می‌تواند با ترکیب سبک‌های مدرن و سنتی، حس تعلق به مکان را در مردم تقویت کند. برخی مطالعات نشان می‌دهند که استفاده از خطوط، شکل‌ها و رنگ‌هایی که از فرهنگ بومی الهام گرفته‌اند، می‌تواند احساس تعلق و هویت فرهنگی را در کاربران فضاهای شهری افزایش دهد. این در حالی است که ترکیب این عناصر با طراحی‌های مدرن، می‌تواند جذابیت‌های بصری جدیدی را نیز به این فضاها بیفزاید و تجربه زیستی افراد را بهبود بخشد (Huang, 2023).

با توجه به ادبیات موجود، این پژوهش به دنبال تحلیل و بررسی مدل‌های موفق در طراحی فضاهای شهری است که از رویکردهای ادغام فرهنگی بهره‌برده‌اند. از جمله مهم‌ترین مدل‌ها، مدل‌های چندفرهنگی و چندگانه است که بر پایه ایجاد فضاهایی برای تعاملات فرهنگی و اجتماعی بنا شده‌اند. این مدل‌ها نشان می‌دهند که با طراحی فضاهایی که انعطاف‌پذیری کافی برای تطبیق با فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی مختلف دارند، می‌توان به ایجاد تعاملات فرهنگی و تقویت همبستگی اجتماعی کمک کرد. در واقع، این فضاها می‌توانند نقش مهمی در جذب گروه‌های فرهنگی مختلف به محیط‌های شهری داشته باشند و از این طریق، پویایی و زنده بودن فضاهای شهری را حفظ کنند (Yaqin and Yang, 2018).

با توجه به چالش‌های موجود در هم‌زیستی معماری مدرن و تاریخی، برخی از پژوهش‌ها به بررسی شیوه‌های تطبیقی پرداخته‌اند که بتواند این دو سبک را در یک بستر مشترک گرد هم آورد. این شیوه‌ها شامل به‌کارگیری فناوری‌های نوین در بازسازی و حفظ ساختمان‌های تاریخی است، به‌گونه‌ای که هم ارزش‌های تاریخی و هم نیازهای معاصر را برآورده سازند. این راهکارها نشان می‌دهند که معماری مدرن نه تنها می‌تواند با معماری تاریخی هم‌زیستی کند، بلکه می‌تواند به عنوان عاملی برای بهبود و توسعه فضاهای تاریخی عمل کند. برای مثال، فناوری‌های نورپردازی و کنترل دیجیتال می‌توانند در بازآفرینی ساختمان‌های تاریخی و تقویت جنبه‌های فرهنگی آن‌ها نقش بسزایی داشته باشند (Kim and Kim, 2019).

در نهایت، بررسی ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که ادغام فرهنگی در طراحی شهری از پیچیدگی‌های فراوانی برخوردار است و به تحلیل‌های چندجانبه و بین‌رشته‌ای نیاز دارد. طراحی شهری با رویکرد ادغام فرهنگی مستلزم این است که معماران و طراحان شهری علاوه بر شناخت دقیق از تاریخ و فرهنگ بومی، دانش فنی و علمی کافی برای ترکیب این عناصر با فناوری‌ها و نیازهای معاصر داشته باشند.

یافته‌ها

یافته‌های به‌دست‌آمده از تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که ادغام فرهنگی در طراحی فضاهای شهری به عنوان راهکاری برای هم‌زیستی و تعاملات میان اقوام و گروه‌های مختلف فرهنگی، به‌طور مؤثری بر ارتقاء هویت محلی و افزایش حس تعلق به مکان تاثیر می‌گذارد. نتایج حاکی از آن است که طراحی‌هایی که به‌طور موفق به ترکیب عناصر مدرن و سنتی پرداخته‌اند، معمولاً از ویژگی‌های فرهنگی، تاریخی و اجتماعی محیط به عنوان نقطه شروع استفاده می‌کنند و این عناصر را به‌گونه‌ای در بافت‌های مدرن شهری به کار می‌برند که نه تنها هویت بومی حفظ می‌شود، بلکه با به‌روزرسانی‌های مدرن، کارکردهای جدیدی نیز به این فضاها

افزوده می‌شود. در بسیاری از نمونه‌های مورد بررسی، به‌ویژه در شهرهای تاریخی، طراحی فضاهای شهری با رویکرد ادغام فرهنگی موجب شده است که نه تنها جلوه‌های سنتی و تاریخی محیط باقی بماند، بلکه قابلیت تعامل و انطباق با نیازهای مدرن جامعه نیز در این فضاها افزایش یابد (Xu, 2023).

تحلیل نحوه همزیستی فرهنگی در طراحی فضاهای شهری نشان می‌دهد که بسیاری از شهرهای موفق در زمینه ادغام فرهنگی، از یک روش تلفیقی بهره برده‌اند که در آن اصول طراحی مدرن با عناصری از معماری تاریخی ترکیب شده است. برای نمونه، در شهرهایی مانند پاریس و فلورانس که هویت تاریخی و فرهنگی قوی‌ای دارند، طراحان از سبک‌های مختلف معماری برای بازآفرینی فضاهای شهری استفاده کرده‌اند. در این شهرها، معماری مدرن به‌گونه‌ای با ساختمان‌ها و فضاهای تاریخی هم‌زیستی دارد که هر دو بعد از هویت فرهنگی و کارکردهای مدرن را پوشش می‌دهد. این مدل تلفیقی به حفظ اصالت و جذابیت تاریخی شهر کمک کرده و در عین حال با ارائه فضاهایی کاربردی و مدرن، نیازهای جدید جامعه شهری را نیز پاسخگو بوده است (Didichenko et al., 2019).

یکی از نمونه‌های شاخص ادغام فرهنگی در طراحی شهری را می‌توان در پروژه بازسازی و توسعه منطقه تاریخی شانگهای در چین مشاهده کرد. این پروژه، با ترکیب ساختمان‌های تاریخی با سازه‌های مدرن، توانسته است به نوعی از معماری چندلایه دست یابد که نه تنها بیانگر تاریخ غنی و معماری اصیل چینی است، بلکه با استفاده از امکانات و فن‌آوری‌های مدرن، کارکردهای امروزی و جذابیت‌های بصری خاصی نیز به این منطقه افزوده است. این منطقه بازسازی‌شده اکنون به عنوان محلی برای گردشگری و تعاملات فرهنگی مورد استفاده قرار می‌گیرد و باعث شده تا شانگهای بتواند همزمان با حفظ هویت فرهنگی خود، به شهری مدرن و پویا تبدیل شود که نیازهای اقتصادی و فرهنگی شهروندان را نیز تامین می‌کند (Huang, 2023).

علاوه بر این، در شهرهایی مانند استانبول، تعامل میان معماری اسلامی و معماری مدرن در بسیاری از ساختمان‌ها و فضاهای عمومی به چشم می‌خورد. استانبول که به عنوان یکی از شهرهای تاریخی جهان شناخته می‌شود، با توجه به موقعیت فرهنگی و تاریخی منحصر به فرد خود، توانسته است هم‌زیستی فرهنگ‌های مختلف را در بطن معماری خود به نمایش بگذارد. در این شهر، بسیاری از ساختمان‌های مدرن به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که از الگوهای معماری اسلامی استفاده می‌کنند؛ به‌عنوان مثال، مساجد جدید این شهر دارای طراحی‌هایی هستند که همزمان بیانگر سبک‌های مدرن و عناصر زیبایی‌شناسی اسلامی‌اند. این هم‌زیستی فرهنگی و معماری به‌طور مؤثری از جذابیت‌های گردشگری استانبول پشتیبانی کرده و همچنین حس هویت و تعلق میان شهروندان را تقویت می‌کند (Kabisch et al., 2022).

مطالعه موردی دیگری که اصول ادغام فرهنگی در طراحی شهری را به خوبی به نمایش گذاشته، شهر بارسلونا است. این شهر با برخورداری از معماری مدرن و سنتی و تلفیق آن‌ها به‌طور موفق، به یکی از مقصدهای برتر گردشگری جهان تبدیل شده است. در بارسلونا، ساختمان‌های مدرنی همچون طراحی‌های منحصر به فرد آنتونی گائودی، به‌گونه‌ای در شهر ادغام شده‌اند که با معماری سنتی کاتالانی هماهنگی دارند و فضای شهری را به تجربه‌ای فرهنگی و زیبایی‌شناختی تبدیل کرده‌اند. این شهر به عنوان نمونه‌ای موفق از هم‌زیستی معماری مدرن و سنتی، نشان می‌دهد که چگونه می‌توان با در نظر گرفتن عناصر فرهنگی محلی، فضاهای شهری پویایی ایجاد کرد که مورد علاقه و توجه هم شهروندان و هم گردشگران باشد (Ye, 2022).

در بررسی چالش‌ها و فرصت‌های هم‌زیستی فرهنگی در طراحی شهری، برخی از پروژه‌های شهری با رویکرد ادغام فرهنگی به چالش‌هایی مانند تفاوت‌های فرهنگی و یا مقاومت‌های اجتماعی مواجه شده‌اند. برای مثال، در برخی موارد، ترکیب عناصر فرهنگی مختلف می‌تواند منجر به ایجاد تضادهایی در سبک‌ها و کارکردها شود. این چالش‌ها به‌ویژه در شهرهایی با تنوع فرهنگی بالا و یا جوامعی که فرهنگ‌های سنتی و مدرن به‌طور ملموسی در آن‌ها در تضاد هستند، بیشتر

نمایان می‌شود. با این وجود، تحقیقات نشان می‌دهد که استفاده از روش‌های مشارکتی و نظرخواهی از جوامع محلی می‌تواند به کاهش این مقاومت‌ها و افزایش پذیرش پروژه‌های ادغام فرهنگی کمک کند. این روش به طراحان و برنامه‌ریزان کمک می‌کند تا نیازها و نگرانی‌های مردم را در فرآیند طراحی لحاظ کرده و پروژه‌هایی را ایجاد کنند که بیشترین تأثیر اجتماعی و فرهنگی را داشته باشند (Riechers et al., 2019).

در نهایت، یافته‌ها نشان می‌دهد که ادغام فرهنگی در طراحی فضاهای شهری یک فرآیند چندجانبه است که نیازمند توجه به عوامل مختلفی از جمله تاریخ، فرهنگ و نیازهای جامعه است. این فرآیند به طور همزمان می‌تواند باعث تقویت هویت شهری و افزایش کیفیت زندگی شهری شود. در واقع، با بهره‌گیری از اصول ادغام فرهنگی و ترکیب عناصر مدرن و سنتی، طراحان شهری می‌توانند فضاهایی ایجاد کنند که هم زیبا و هم کاربردی باشند. این فضاها نه تنها پاسخگوی نیازهای روزمره جامعه هستند، بلکه به ایجاد ارتباطی عمیق‌تر با فرهنگ و تاریخ محلی کمک می‌کنند و باعث می‌شوند تا شهروندان حس تعلق بیشتری به محیط زندگی خود داشته باشند (Kim and Kim, 2019).

بررسی‌ها نشان می‌دهد که ادغام فرهنگی در طراحی شهری نه تنها یک رویکرد طراحی بلکه یک استراتژی جامع برای توسعه شهری است. این استراتژی می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی، افزایش تعاملات اجتماعی و حتی رونق اقتصادی کمک کند. به عبارت دیگر، طراحی فضاهای شهری با رویکرد ادغام فرهنگی به شهرها این امکان را می‌دهد که ضمن احترام به گذشته، چشم‌اندازی مدرن و پویا برای آینده خود ایجاد کنند و به عنوان پل ارتباطی میان فرهنگ‌ها و جوامع مختلف عمل کنند (Sharghi et al., 2018).

بحث و تفسیر

نتایج در مورد ادغام فرهنگی در طراحی معماری شهری نشان می‌دهد که این رویکرد به طور بالقوه می‌تواند نقاط قوت قابل توجهی را برای فضاهای شهری فراهم آورد. یکی از مهم‌ترین نقاط قوت این رویکرد، افزایش حس تعلق به مکان است که در نتیجه تقویت هویت فرهنگی به دست می‌آید. طراحی فضاهایی که بازتاب‌دهنده ریشه‌های فرهنگی و تاریخی باشند، به شهروندان این امکان را می‌دهد که ارتباط عمیق‌تری با محیط زندگی خود برقرار کنند و خود را بخشی از تاریخ و فرهنگ آن محل بدانند. این ارتباط فرهنگی موجب ایجاد همبستگی اجتماعی در بین شهروندان و افزایش تعاملات فرهنگی می‌شود. با این حال، چالش‌های متعددی نیز در مسیر ادغام فرهنگی در طراحی معماری شهری وجود دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به مشکلات ناشی از تفاوت‌های فرهنگی، نیازهای متضاد و محدودیت‌های اقتصادی اشاره کرد. از این رو، طراحی فضاهایی که بتوانند به طور همزمان با فرهنگ‌های مختلف سازگاری داشته باشند و در عین حال نیازهای امروزی را برآورده کنند، نیازمند خلاقیت، دانش و مهارت‌های بالایی است (Ye, 2022).

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ادغام فرهنگی در طراحی شهری نیازمند توجه دقیق به ویژگی‌های خاص فرهنگی هر منطقه است. نظریه‌پردازان معتقدند که معماری شهری نباید صرفاً به دنبال تقلید از الگوهای فرهنگی یا نمادهای تاریخی باشد؛ بلکه باید این عناصر را به گونه‌ای در ساختارهای مدرن ادغام کند که همزمان با اصالت و کارکردهای جدید همخوانی داشته باشند. این دیدگاه با رویکردهایی که صرفاً به دنبال ایجاد جذابیت‌های ظاهری با استفاده از عناصر فرهنگی هستند، تفاوت دارد. در واقع، ادغام فرهنگی باید به معنای واقعی در بافت فضاهای شهری نفوذ کند و به عنوان بخشی از زندگی روزمره و هویت شهر تلقی شود.

به عنوان مثال، در برخی شهرهای تاریخی، استفاده از الگوهای معماری بومی به صورت مدرن سازی شده، به فضاها این امکان را می دهد که هم از لحاظ زیبایی شناختی و هم از لحاظ کارکردی ارزشمند باشند (Xu, 2023).

در تفسیر نتایج به دست آمده از یافته ها، می توان به تأثیرگذاری فرهنگ بر طراحی معماری شهری از چند جنبه مهم اشاره کرد. فرهنگ به عنوان یکی از عوامل کلیدی در شکل گیری هویت معماری، بر تمامی مراحل طراحی، از انتخاب مواد و رنگ ها گرفته تا انتخاب فرم ها و الگوها، تأثیرگذار است. بسیاری از طراحی های شهری موفق از این امر بهره برده اند تا با استفاده از نمادهای فرهنگی، هویت های محلی را تقویت کنند. در این راستا، یکی از چالش های اصلی، حفظ تعادل میان هویت بومی و نیازهای مدرن است. در شهرهایی که به سرعت در حال توسعه هستند، این تعادل به ویژه دشوار است، زیرا نیازهای فوری شهری، اغلب سبب می شود تا اولویت ها به سمت ساخت و سازهای سریع و اقتصادی متمایل شوند که در نهایت ممکن است به فراموشی هویت فرهنگی و تاریخی شهرها منجر شود (Riechers et al., 2019).

یکی از چالش های دیگر در فرایند ادغام فرهنگی، هزینه های بالای طراحی و اجرای پروژه های معماری مبتنی بر ادغام فرهنگی است. استفاده از مصالح و تکنیک های محلی که با فرهنگ و تاریخ منطقه همخوانی داشته باشد، معمولاً هزینه برتر از استفاده از مواد استاندارد و تکنیک های رایج است. این مسئله به ویژه در کشورهای در حال توسعه، به یک مانع عمده برای طراحی های فرهنگی تبدیل می شود، زیرا بودجه های محدود در بسیاری از موارد، اولویت های اقتصادی را به اولویت های فرهنگی ترجیح می دهند. با این حال، تجارب برخی از شهرهای پیشرو نشان داده است که سرمایه گذاری در ادغام فرهنگی می تواند بازدهی قابل توجهی از نظر جذب گردشگران و افزایش رضایت شهروندان به همراه داشته باشد و در نتیجه در بلندمدت به سود اقتصادی بیشتری منجر شود (Kabisch et al., 2022).

از سوی دیگر، تحلیل نحوه تأثیر فرهنگ بر طراحی معماری شهری نشان می دهد که فرهنگ به طور غیرمستقیم به عنوان عاملی اجتماعی در تعیین نیازهای ساکنان و الگوهای استفاده از فضاهای شهری نیز عمل می کند. برای مثال، در فرهنگ های مختلف، فضاهای عمومی نقش ها و معانی متفاوتی دارند. در برخی جوامع، فضاهای عمومی عمدتاً برای تعاملات اجتماعی و مراسم فرهنگی استفاده می شوند، در حالی که در سایر فرهنگ ها، این فضاها بیشتر برای تفریح و اوقات فراغت مورد استفاده قرار می گیرند. این تفاوت ها موجب می شود که طراحی فضاهای عمومی نیازمند در نظر گرفتن ویژگی های فرهنگی خاص آن جامعه باشد تا بتواند نیازهای مردم را به درستی پاسخ دهد. این مسئله همچنین به طراحان کمک می کند که با استفاده از عناصر فرهنگی و اجتماعی، فضاهایی طراحی کنند که نه تنها از نظر بصری زیبا هستند، بلکه دارای عمق معنایی و کاربردی خاصی برای جامعه نیز باشند (Didichenko et al., 2019).

به طور کلی، ادغام فرهنگی در طراحی شهری به عنوان رویکردی جامع و چندبعدی مطرح است که به ایجاد همزیستی میان فرهنگ ها، بهبود کیفیت فضاهای شهری و تقویت ارتباطات اجتماعی منجر می شود. با توجه به اهمیت این موضوع در جوامع چند فرهنگی، بسیاری از نظریه ها و مدل ها بر اهمیت تعاملات فرهنگی در فضاهای عمومی تأکید دارند و آن را به عنوان یکی از راهکارهای مؤثر برای کاهش تنش های فرهنگی و ایجاد محیطی یکپارچه و متنوع می دانند. این امر به ویژه در شهرهایی که مهاجرپذیری بالایی دارند و ترکیب فرهنگی متنوعی را شامل می شوند، به طور ویژه اهمیت دارد. طراحی فضاهای شهری که به طور هماهنگ و خلاقانه ای فرهنگ های مختلف را به نمایش می گذارند، نه تنها احساس تعلق به مکان را افزایش می دهد، بلکه می تواند به عنوان الگویی برای دیگر شهرها و جوامع نیز عمل کند (Sharghi et al., 2018).

در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که ادغام فرهنگی در طراحی معماری شهری چالش‌های قابل توجهی را به همراه دارد، اما با بهره‌گیری از روش‌ها و راهکارهای نوین، می‌توان بر این چالش‌ها غلبه کرد و فضایی ایجاد نمود که همزمان ارزش‌های فرهنگی را حفظ کند و نیازهای مدرن را پاسخگو باشد.

نتیجه‌گیری

نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که ادغام فرهنگی در طراحی فضاهای شهری یک رویکرد جامع و مؤثر برای حفظ و تقویت هویت محلی، افزایش احساس تعلق به مکان، و ارتقای کیفیت زیستی شهروندان است. در طول این مطالعه، روشن شد که طراحی شهری به‌گونه‌ای که عناصر فرهنگی و تاریخی را با نیازهای مدرن ترکیب کند، می‌تواند فضاهایی منسجم و متعادل ایجاد کند که نه تنها به زیبایی‌های بصری و کارکردهای روزمره پاسخ می‌دهد، بلکه ریشه‌های فرهنگی جامعه را نیز حفظ می‌کند. به طور خاص، نتایج حاکی از آن است که بهره‌گیری از نمادها و الگوهای بومی و تلفیق آن‌ها با مصالح و فناوری‌های نوین، می‌تواند به خلق فضاهایی کمک کند که بازتاب‌دهنده تاریخ و فرهنگ غنی آن منطقه باشند و همزمان، پاسخگوی نیازهای معاصر باشند (Ye, 2022).

از جنبه چالش‌ها، یافته‌ها نشان دادند که ادغام فرهنگی در طراحی شهری اغلب با موانعی چون تفاوت‌های فرهنگی و محدودیت‌های اقتصادی مواجه است. این موانع، به‌ویژه در شهرهای چند فرهنگی یا در حال توسعه، بیشتر احساس می‌شود؛ زیرا بودجه‌های محدود و نیازهای فوری شهری گاهی اجازه نمی‌دهند که اولویت‌های فرهنگی به اندازه کافی در نظر گرفته شود. این امر می‌تواند به از دست رفتن هویت‌های بومی و فرهنگی منجر شود و شهرهایی یکسان و بدون ویژگی‌های منحصر به فرد ایجاد کند. بنابراین، طراحی فضاهای شهری که به‌طور واقعی به فرهنگ بومی پاسخگو باشد و همزمان کارکردهای نوین و اقتصادی را نیز در بر گیرد، نیازمند تلاشی مضاعف و خلاقانه است (Didichenko et al., 2019).

در نتیجه‌گیری نهایی، روشن است که ادغام فرهنگی می‌تواند یک عامل کلیدی در بهبود تجربه زیستی شهروندان، تقویت انسجام اجتماعی و ایجاد فضاهای شهری پایدارتر باشد. با استفاده از رویکردهای خلاقانه و مشارکت دادن جوامع محلی، طراحان شهری می‌توانند به‌طور مؤثری عناصر فرهنگی را در ساختارهای مدرن ادغام کنند و فضاهایی فراهم کنند که هم زیبا و هم کاربردی باشند. این فضاها نه تنها به عنوان پلی میان گذشته و آینده عمل می‌کنند، بلکه به شهرها این امکان را می‌دهند که فرهنگ‌های مختلف را به رسمیت بشناسند و به آن‌ها احترام بگذارند، که این خود می‌تواند به عنوان ابزاری برای تقویت همبستگی اجتماعی و کاهش تنش‌های فرهنگی عمل کند (Xu, 2023).

در راستای بهبود طراحی شهری بر مبنای ادغام فرهنگی، چندین پیشنهاد می‌توان ارائه داد. نخست، استفاده از رویکردهای مشارکتی در فرایند طراحی می‌تواند به افزایش پذیرش اجتماعی و درک بهتر از نیازهای فرهنگی جامعه کمک کند. این مشارکت می‌تواند از طریق جلسات مشورتی با نمایندگان جوامع محلی و یا انجام نظرسنجی‌های عمومی صورت گیرد. دوم، استفاده از نمادها و الگوهای فرهنگی در عناصر معماری و مبلمان شهری به‌عنوان بخشی از طراحی می‌تواند باعث افزایش حس تعلق به مکان در میان شهروندان شود و به شهرها هویت فرهنگی بیشتری بدهد. این امر به‌ویژه در فضاهای عمومی مانند میدان‌ها و پارک‌ها می‌تواند به ایجاد جذابیت‌های بصری و کارکردهای فرهنگی بیشتری منجر شود (Sharghi et al., 2018).

پیشنهاد دیگر، توجه به تنوع فرهنگی در طراحی فضاهای شهری است. شهرهایی که از ترکیب فرهنگی گوناگون برخوردارند، باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که برای تمام گروه‌های فرهنگی جذاب و قابل استفاده باشند. این هدف را می‌توان با طراحی فضاهایی چندمنظوره و انعطاف‌پذیر محقق کرد که قابلیت انطباق با

فعالیت‌ها و نیازهای فرهنگی مختلف را داشته باشند. این فضاها می‌توانند به محلی برای تعاملات فرهنگی و اجتماعی تبدیل شوند و به تقویت همبستگی اجتماعی کمک کنند. علاوه بر این، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین مانند نورپردازی‌های هوشمند و سیستم‌های چندرسانه‌ای می‌تواند به فضاهای شهری این امکان را بدهد که در عین حال که به هویت‌های فرهنگی احترام می‌گذارند، نوآوری و کارآمدی مدرن را نیز در بر داشته باشند (Kim and Kim, 2019).

در پایان، طراحی شهری با رویکرد ادغام فرهنگی نیازمند تعادلی دقیق میان حفاظت از ارزش‌های فرهنگی و پاسخگویی به نیازهای مدرن است. پیشنهاد می‌شود که سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان شهری با در نظر گرفتن اهمیت فرهنگ در زندگی شهری، به تدوین برنامه‌ها و مقرراتی بپردازند که به طراحان امکان دهند تا فضاهایی خلق کنند که همزمان هم فرهنگی و هم نوآورانه باشند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در طی مراحل این پژوهش به ما یاری رساندند تشکر و قدردانی می‌گردد.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

حمایت مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

موازن اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

خلاصه مبسوط

Extended Abstract

The integration of cultural elements into urban design, particularly in cities that blend modern and historical architectural elements, represents an essential approach for creating urban spaces that are culturally resonant, functional, and socially inclusive. This paper explores the principles of cultural integration within urban spaces, examining the strategies and challenges involved in combining historical and cultural aspects with modern urban needs. The objective is to provide a thorough understanding of how urban planning and architecture can support cultural preservation while facilitating modern functionality,

contributing to a greater sense of place and identity within rapidly evolving urban landscapes (Ye, 2022). This extended abstract outlines the central concepts of cultural integration in urban design, relevant theoretical frameworks, case studies of successful cultural integration in global cities, and recommendations for urban design practices that honor cultural heritage while fostering innovation.

Cultural integration in urban design refers to the strategic blending of historical and local cultural elements with contemporary architectural and urban planning practices. This approach seeks to maintain the cultural identity of a place, balancing it with the functional requirements of modern urban spaces. Rather than viewing modernity and tradition as opposing forces, this perspective emphasizes their compatibility, suggesting that architectural elements from diverse eras and styles can coexist harmoniously. According to Xu (2023), cultural integration requires urban designers to deeply understand the social, historical, and cultural values of a locale, which informs the design process and aligns architectural solutions with cultural identity. This framework advocates for utilizing culturally specific symbols, materials, and styles in urban design, aiming to create spaces that resonate with the local community's heritage and identity. The successful execution of cultural integration involves not only preserving tangible heritage but also intangible elements such as collective memory and local traditions, essential in fostering a sense of belonging among urban residents (Didichenko et al., 2019).

The importance of cultural integration in urban design has grown with the rapid globalization and urbanization trends that have, in some cases, led to the homogenization of cityscapes worldwide. Cities across the globe are facing the challenge of maintaining their unique cultural identities while meeting the demands of modern infrastructure and development. Integrating cultural elements in urban design is particularly crucial in historic cities where there is a risk of losing historical context to contemporary architectural developments. Kim and Kim (2019) suggest that urban spaces designed with cultural integration principles provide residents with a connection to their cultural roots, fostering pride in their heritage and contributing to a sense of place and belonging. Furthermore, the incorporation of cultural elements into urban design can enhance social cohesion by creating spaces that encourage community interaction and reflect the values and history shared by local residents. For example, public spaces that incorporate traditional architectural motifs and local materials often serve as gathering places, reinforcing social bonds and promoting cultural continuity (Kabisch et al., 2022). In addition, cultural integration can enhance the aesthetic appeal and uniqueness of urban spaces, making cities more attractive to tourists while supporting economic growth.

The literature on cultural integration in urban design presents several theoretical and empirical approaches for effectively merging modern and historical elements in urban spaces. One notable model is the concept of "cultural ecosystems," which posits that urban spaces function as ecosystems where cultural, social, and natural elements interact. Riechers et al. (2019) argue that urban cultural ecosystems promote sustainability by supporting social cohesion and cultural expression within a harmonious environment. This model has been applied in urban regeneration projects that aim to revitalize historic districts while incorporating environmentally friendly, modern infrastructure. Another approach highlighted in the literature is the "cultural morphology" framework, which focuses on integrating cultural symbols and local architectural styles within modern structures to maintain the aesthetic continuity of urban spaces. For instance, Xu (2023) describes the cultural morphology approach as essential for preserving visual harmony in cities undergoing rapid modernization. Empirical studies demonstrate that the integration of cultural elements in urban design not only preserves local heritage but also enhances the functional versatility of urban spaces, creating a balance between tradition and contemporary needs (Huang, 2023).

Several cities worldwide offer illustrative case studies of successful cultural integration in urban design. One example is Shanghai's historic districts, where modern structures have been seamlessly integrated with traditional Chinese architecture. This approach reflects Shanghai's cultural heritage while meeting the demands of its rapidly growing population. Huang (2023)

highlights that the integration of modern amenities within historic structures has turned Shanghai's historic districts into vibrant cultural hubs, attracting both locals and tourists. Another notable case is Istanbul, where Islamic and contemporary architectural elements coexist in the city's public spaces and residential areas. Istanbul's ability to harmonize cultural diversity within its urban design reflects its position as a bridge between Eastern and Western civilizations (Kabisch et al., 2022). These examples indicate that cultural integration in urban design can not only enhance the aesthetic and functional appeal of urban spaces but also promote cultural continuity and social cohesion.

While the benefits of cultural integration are numerous, implementing this approach in urban design is often met with challenges. One of the main obstacles is balancing economic feasibility with cultural preservation, as the use of culturally specific materials and designs can increase project costs. In many developing regions, budget constraints lead urban planners to prioritize economic factors over cultural considerations, which may result in the loss of cultural identity in urban spaces (Didichenko et al., 2019). Additionally, differences in cultural preferences among diverse communities can complicate the design process, making it difficult to create spaces that resonate with all groups. Kim and Kim (2019) note that community resistance is also a common challenge in cultural integration projects, as some residents may view changes to historic spaces as a disruption of cultural continuity. Addressing these challenges requires urban planners to engage with communities, fostering a participatory approach that respects cultural diversity while meeting the practical needs of urban development.

Based on the findings of this study, several recommendations can be proposed to improve urban design practices through cultural integration. Firstly, engaging local communities in the design process is crucial for understanding the unique cultural elements that should be preserved and incorporated into urban spaces. Involving residents in decision-making can increase public support for cultural integration projects and ensure that designs reflect the values and traditions of the community (Sharghi et al., 2018). Secondly, using local materials and architectural motifs can enhance the cultural relevance of urban spaces while reducing environmental impact. For instance, utilizing sustainable materials that are culturally meaningful can create a sense of continuity between past and present, making urban spaces more accessible and relatable to residents (Xu, 2023). Finally, urban designers should adopt flexible and adaptive frameworks that allow for cultural expression while accommodating future urban needs. This flexibility is essential in rapidly urbanizing areas, where demographic and social changes necessitate adaptable spaces that can support evolving community requirements. The recommendations provided here aim to guide urban designers in creating spaces that not only honor cultural heritage but also foster an inclusive and dynamic urban environment. By implementing these strategies, cities can bridge the gap between tradition and innovation, creating culturally resonant, functional, and socially cohesive urban spaces.

References

- DIDICHENKO, M., BULAKH, I. & KOZAKOVA, O. 2019. Spatial and Temporal Principles and Methods of the Historical Urban Environment Composition Transformations. *Urban and Regional Planning*, 4, 144.
- FATHI, S., SAJADZADEH, H., SHESHKAL, F. M., ARAM, F., PINTÉR, G., FELDE, I. & MOSAVI, A. 2020. The Role of Urban Morphology Design on Enhancing Physical Activity and Public Health. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 17, 2359.
- HUANG, L. 2023. The Protection of Urban Spatial Structures in Historic Cities: A Multi-Actor Perspective of the Cultural Space Construction in Fuzhou, China. *Sustainability*, 16, 385.
- KABISCH, N., FRANTZESKAKI, N. & HANSEN, R. 2022. Principles for Urban Nature-Based Solutions. *Ambio*, 51, 1388-1401.
- KIM, J. & KIM, S. 2019. Finding the Optimal D/H Ratio for an Enclosed Urban Square: Testing an Urban Design Principle Using Immersive Virtual Reality Simulation Techniques. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 16, 865.

- QUANG, P. V., DUNG, P. A., HOANG, A. T. & TUYET, C. T. A. 2023. Building Identities in Public Spaces Through Cultural Language Analysis Framework: A Case Study of Public Spaces River the Ha Thanh River Quy Nhon City - Central – Viet Nam. *E3s Web of Conferences*, 403, 01028.
- RIECHERS, M., STRACK, M., BARKMANN, J. & TSCHARNTKE, T. 2019. Cultural Ecosystem Services Provided by Urban Green Change Along an Urban-Periurban Gradient. *Sustainability*, 11, 645.
- SHARGHI, A., JAHANZAMIN, Y., GHANBARAN, A. & JAHANZAMIN, S. 2018. A Study on Evolution and Development of Urban Regeneration With Emphasis on the Cultural Approach. *The Turkish Online Journal of Design Art and Communication*, MARCH, 271-284.
- XU, Y. 2023. Examining the Urban Regeneration of Public Cultural Space Using Multi-Scale Geospatial Data: A Case Study of the Historic District in Jinan, China. *Frontiers in Built Environment*, 9.
- YAQIN, X. & YANG, C. 2018. Design of Street Furniture for Famous Historical and Cultural Cities in the View of Cultural and Technological Integration - A Case Study on the Design of Bus Shelter in Bozhou. *Matec Web of Conferences*, 237, 03011.
- YE, M. 2022. Analysis on the Integral Design of Public Art From the Perspective of Urban Culture. *Arts Studies and Criticism*, 3, 125.
- ZAGROBA, M., SZCZEPAŃSKA, A. & SENETRA, A. 2020. Analysis and Evaluation of Historical Public Spaces in Small Towns in the Polish Region of Warmia. *Sustainability*, 12, 8356.